

واکنش نظام جزایی علیه قصور والدین منجر به فوت اطفال

علیرضا مسلمی^۱

وحید پاشاپور^۲

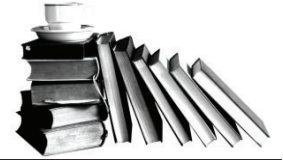
چکیده

یکی از موضوعات مهم مورد توجه جامعه حقوقی حمایت از کودکان در مقابل آسیب‌های جسمی است. قوانین متعددی در این خصوص در سازمان‌های بین‌المللی و مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. چرا که آن‌ها اشخاصی ناتوان در تشخیص و دفاع از خود در مقابل خطرات ناشی از اشیاء پیرامونی اند که نیازمند حمایت هستند. ما در این مقاله سعی خواهیم کرد به قصور والدین در قبال فرزندان غیر ممیز که منجر به فوت آن‌ها می‌شود در حالی که وظیفه نگهداری او را برعهده دارند، بپردازیم و مسولیت قانونی نهادهای عمومی در پیشگیری و مجازات مرتکبین را بررسی نماییم. سؤالی که مطرح می‌شود تقصیر والدین در این خصوص جرم است؟ اگر جرم باشد قانون‌گذار چه مجازاتی برای آن در نظر گرفته است و اینکه مدعی العموم می‌تواند رأساً موضوع را پیگیری نماید یا نیازمند شکایت شاکی خصوصی است؟ به عبارت دیگر جرم جنبه عمومی دارد یا خیر؟ در این موارد کودکان غیر ممیز به عللی ناشی از حوادث غیر طبیعی دچار مرگ می‌شوند و پرونده معمولاً تحت عنوان مرگ مشکوک با گزارش موضوع از ضابطین دادگستری به دادسرا جهت صدور جواز دفن فوتی با معرفی وی به پزشکی قانونی به جریان می‌افتد. لذا موضوع بحث جایی است که تقصیر متوجه والدین کودک باشد. ضرورت‌های عرفی، انصاف و ارزش‌های اخلاقی، بدلیل شرایط خاص فرزندان و والدین، مسولیت کیفری پدر و مادر را در قبال فرزندان کاهش می‌دهد و موجب می‌شود، جامعه با مسامحه نسبت به موضوع برخورد کند. از سوی دیگر وجود پاره‌ای واقعیت‌های اجتماعی ناگوار مانند کودکان بد سرپرست، اقتضا دارد مسولیت والدین جنبه کاربردی داشته باشد.

واژگان کلیدی: مدعی العموم، والدین، حوادث غیر طبیعی، فوت مشکوک، محجورین غیرممیز.

۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی و قاضی دادگستری

۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی و قاضی دادگستری



۱- مقدمه

دوره کودکی از ابتدای تولد تا ۱۸ سالگی را شامل می‌شود. حقوق کودکان از این نظر دارای اهمیت می‌باشد که فراتر از دستورات اخلاقی، به مقررات جامع توأم با ضمانت اجراهای حقوقی برای محافظت جسمی، روحی، اخلاقی، عاطفی و جنسی کودکان می‌پردازد.

در جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم وجود مقرراتی پراکنده، در موضوع حمایت از کودکان قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده، قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست و قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی وجود داشته که نهایتاً در شکل قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» ظهور و بروز نمود. در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فصل دهم آن از مواد ۸۸ تا ۹۵ به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان پرداخته است.

بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است. به طور کلی موارد ذیل‌الذکر از جمله مهم‌ترین منافع و حقوق کودکان بشمار می‌آیند که نیازمند حمایت می‌باشد:

۱- حق حیات کودک

۲- هویت کودک از جمله سن، جنس، نژاد کودک

۳- مراقبت و نگهداری و امنیت کودک

۴- رفاه کودک

۵- حق آزادی بیان کودک

۶- حق بر سلامتی و تحصیل کودک

در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، منفعت کودک مورد توجه قرار گرفته است و به دنبال آن در آرای قضایی مربوط به حضانت کودک به این امر توجه شده است. این رویه عمدتاً با توجه به تعهدات ملی و بین‌المللی دولت در زمینه رعایت مفاد کنوانسیون حقوق کودک و همچنین رعایت تعهدات ناشی از شرع مقدس اسلام است. اما بر مبنای آنچه که در قانون ایران بیان گردیده، مبنای اجرای کنوانسیون کودک، مطابقت آن با ضوابط شرعی است.

ویژگی مشترک تمامی قوانین و مقررات راجع به حقوق کودکان این است که به کودک از نظر جسمی و روحی آسیب وارد نشود و برای رشد و تکامل وی ضروری باشد. به موجب کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه جهانی



حقوق کودک، والدین و یا قیم قانونی، والدین مسئولیت عمده را در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسأله آن‌ها حفظ منافع عالی‌ه کودک است.

تا جایی که در سوابق موضوع بررسی شد، مقالاتی تحت عنوان موانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان، مصونیت والدین در ایراد صدمات جسمی به فرزندان، چالشی پیرامون حق تأدیب والدین در حقوق کیفری، نقش مراقبت والدین در حوادث ترافیکی کودکان ۶ تا ۹ ساله، مبانی مسئولیت کیفری والدین و اولیای قانونی صغار چاپ شده است. ما در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با مد نظر قرار دادن عرف قضایی، به موضوع خواهیم پرداخت.

۲- جایگاه اولیای قانونی در تلف شدن کودک

کودکان به دلیل ویژگی‌های جسمانی، روانی، الگوی مواجهه یافتگی، الگوهای بازی و زندگی در محیطی که بزرگترها برای خود ساخته‌اند، از گروه‌های آسیب‌پذیر در اغلب حوادث به شمار می‌آیند (سوری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱). در پرونده‌های متعددی مشاهده شده که کودکان خردسال فاقد قدرت تمییز، به عللی از قبیل سقوط از پشت بام ساختمان، افتادن در کانال آب یا برق گرفتگی ناشی از نقص وسایل خانگی، دچار مرگ غیر طبیعی می‌شوند. در این موارد سؤال این است که مسئول حادثه کیست؟

اکثر فقهای شیعه بر این عقیده‌اند که اگر اقدامات والدین و اولیای قانونی به تلف یا نقص عضو طفل منجر شود، ضامن است (قدسی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۱۴). چه کسی باید قصور بوجود آمده را پیگیری نماید؟ ماده ۱۱۶۸ ق.م. مقرر می‌دارد «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبن است». با توجه به این که حفظ جان انسان یکی از اصلی‌ترین بحث‌های حقوقی است، اهمیت موضوع روشن است. حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل است که در قبال شکایت فرزندی از پدرش نزد ایشان می‌فرمایند: «انت و مالک لابیک» (امینی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). با توجه به این حدیث، مسئولیت پدر در قبال فرزند تا چه حد است و چه تفاوتی با مسئولیت مادر دارد؟ اگر مسئولیت نگهداری برعهده شخصی غیر از این دو باشد، قانون مثل مورد قبل برخورد می‌کند؟ یا وراثت که دیه متوفی به ایشان می‌رسد، مسئولیتی متوجه آن‌ها نیست و مسئولیت صرفاً متوجه سایر اشخاص است؟

ماده ۲۹۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود چنانچه توانایی آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند». نظر



به اینکه موضوع بحث حفظ جان انسان‌ها است، سؤال این است که قانون برای عدم رعایت صحیح تکلیف از طرف والدین، مجازاتی در نظر گرفته یا نه؟ و حسب مقررات موجود، مدعی العموم می‌تواند آن را پیگیری نماید یا خیر؟ ماده ۷۰ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد: «در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده محجور می‌باشد... در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد». اما برای اینکه دادستان بتواند موضوع را پیگیری نماید، جرم باید عمومی باشد و الا در صورت اعلام رضایت صاحب حق یا نماینده او، دادسرا موقوفی تعقیب صادر می‌نماید. فرض کنیم که در اثر بی‌مبالاتی والدین، کودک صغیر فوت نماید و دادستان قصد تعقیب موضوع را دارد، مستند کدام حکم قانونی، چه اقدامی انجام دهد؟ حسب قوانین موجود دادستان مکلف است رأساً موضوع را تعقیب نماید یا نیازمند شکایت شاکی خصوصی است؟

اصول و موازین حقوق کیفری با توجه به خصیصه وابستگی آن به نظم عمومی، اقتضا می‌کند که اصولاً ایراد هرگونه صدمه از ناحیه افراد نسبت به یکدیگر، جرم شناخته شده و مجازات گردد (سماواتی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۴۷).

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در مورد جرم و مجازات چنین مقرر می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». لذا برای اینکه مدعی العموم بتواند موضوع را پیگیری نماید، لازم است مجازاتی برای عمل ارتكابی در قانون پیش‌بینی گردد. موضوع تحقیق حاضر موارد غیر عمدی اعم از فعل یا ترک فعل منجر به فوت اطفال غیر ممیز است. بنابر این؛ موارد عمدی از دایره تحقیق خارج است.

ماده ۱۴۵ ق. م. ا. مقرر می‌دارد: «تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایت غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض، مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود. تبصره- تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود». برای استناد جرم احراز تقصیر مرتکب که ممکن است ناشی از مسامحه و غفلت در نگهداری طفل از حوادث باشد لازم است. مثلاً در پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۶۱۱۴۱۰۰۹۳۸ دختر شش ساله با سقوط از پشت بام منزل شخصی، دچار حادثه شد و بعد از چند ساعت فوت نمود. پزشکی قانونی علت تامه فوت را ضربه مغزی ناشی از اصابت جسم سخت اعلام کرد که در اصل ناشی از مسامحه و غفلت در نگهداری کودک و سقوط از پشت بام منزل شخصی بود و این حادثه در روز چهارم فوتمادر فرزند اتفاق افتاد. پدرش به عنوان تنها شخص اولیای دم، با حضور در دادسرا اعلام نمود که از کسی شاکی نیست.



ماده ۶۴ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «جهت قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است:

الف- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن.

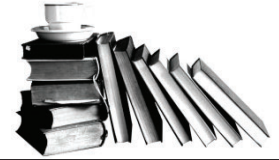
پ- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس ت- اظهار و اقرار متهم ث- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر».

در این مورد تحقیق با گزارش ضابطین قضایی شروع شد، ولی سؤال این بود که مجازاتی برای این موضوع

مصوب شده است؟

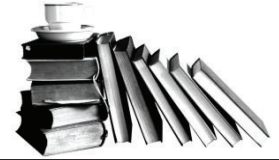
در پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۷۰۱۰۶۰۰۸۲۶ یک پسر دو ساله با خروج از درب بیرونی منزل و سقوط در کانال آب که در نزدیکی بود، غرق و فوت نمود. در گزارش اولیه کلانتری آمده است: «فردی با هویت... با مراجعه به کلانتری اظهار و اعلام داشته فرزندش به نام... حوالی ساعت ۱۱ از منزل خارج و درون جوی آب درب منزل سقوط کرده و فوت شده است که ایشان را جهت احیا به بیمارستان منتقل نموده، عمل احیا و تلاش پزشکان شهر مثمر ثمر واقع نشده و فوت شده بود و اعلام داشته از هیچ فرد یا افرادی شکایت ندارد و شاکی نبوده و به منظور تحویل جسد جهت خاکسپاری درخواست اقدام قانونی به جهت صدور جواز دفن می‌باشم». پزشکی قانونی علت تامه فوت را آسفیکیسی (خفگی)، در اثر آسپیراسیون (ورود) مایع به درون راه‌های هوایی به دنبال غرق شدگی تعیین کرد. با احضار مجدد والدین طفل در شعبه حاضر اعلام کردند که از کسی شاکی نیستند و با این شرایط موضوع کارشناسی نشد. ولی قطعاً ایمنی لازم هنگام حفر کانال آب اراضی کشاورزی در برابر حوادث، به عمل نیامده بود. به نظر می‌رسد در صورت جرم انگاری، حکم مسئله در قالب شبه عمدی و منطبق بر آن است و از باب قصاص خارج می‌شود.

ماده ۲۹۱ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود... پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد». در هر صورت موارد عمدی از دایره تحقیق خارج است. مواردی که پدر و مادر با هم اختلاف ندارند، معمولاً پرونده بدون تحقیق و انتساب جرم به کسی بسته می‌شود. مثلاً در پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۷۰۱۰۶۰۱۰۷۶ دختر یک ساله دچار برق گرفتگی و مرگ شد. در این قضیه، ضابطین دادگستری چنین به دادسرا گزارش داده‌اند: «احتراماً برابر صورتجلسه تنظیمی، شخصی با هویت... به کلانتری مراجعه و اعلام نموده دختر ۱ ساله‌ای به نام... داشته‌ام که در مورخه ۹۸/۱۱/۸ فوت نموده و از کسی یا کسانی شاکی نمی‌باشم و تقاضای صدور جواز دفن و مراحل قضایی را دارم». با ارجاع موضوع به پزشکی قانونی، آن مرجع با شرح معاینه جسد، علت تامه فوت را چنین تعیین می‌نماید: «با توجه به شرح فوق الذکر، علت مرگ اختلال ریتم قلبی احتمالی بدنبال برق گرفتگی تعیین و جواز دفن بنام وی



صادر شد». با احضار والدین کودک و اخذ توضیح، بدین شرح اظهار داشتند: "فرزندشان در تماس با هیتر برقی در منزل که نقص داشت، دچار برق گرفتگی و مرگ شده است و از کسی شاکی نیستیم و نظریه پزشکی قانونی را قبول داریم". دادسرا به علت جرم نبودن موضوع، قرار منع تعقیب صادر می‌نماید.

پرونده‌های دیگری وجود دارد که ابوین طفل با هم اختلاف دارند و در این حین، فرزند دچار آسیب و حتی مرگ می‌شود. در چنین مواردی ممکن است طرف دیگر که طفل خارج از حضانت او بوده است، اقدام به طرح شکایت کند. در پرونده کلاسه ۹۸۰۳۸۸۰۹۷۰۸۰۳ اورژانس بیمارستان گزارش نموده است: «در ساعت... پسر بچه‌ای حدوداً دو و نیم ساله به نام... توسط عوامل ۱۱۵ به اورژانس انتقال و بلافاصله عملیات CPR در خصوص وی صورت گرفت. موضوع از همراهان پرسیده شد. پدر و مادر مصدوم تحت فشار روحی و روانی قادر به توضیح و شرح ماجرا نبودند. عمومی مصدوم بیان نمود که پسر برادرم داخل حیاط منزل در حال بازی کردن بود و اعضای خانواده داخل منزل بودند. پس از سپری شدن مدت زمانی، پدرش وارد منزل شد و مشاهده کرد که بچه بی‌جان روی زمین افتاده و زیر موتورسیکلت گیر کرده بود و توان نجات خودش را نداشته است. بلافاصله کودک را با آمبولانس ۱۱۵ به اورژانس آوردم که برابر اظهارات پزشک وقت، مصدوم در بدو ورود فاقد هرگونه نبض و علائم حیاتی بود. علی‌رغم تلاش کادر اورژانس، عملیات CPR در خصوص مصدوم نتیجه‌ای نداشت و متأسفانه فوت نمود». موضوع از طریق کلانتری به دادسرا گزارش و موضوع جهت تعیین علت تامه فوت به پزشکی قانونی معرفی گردید. جسد به کالبدشکافی ارسال شد که در بررسی، حسب معاینه و کالبدشکافی، علت فوت آسیفیکسی (خفگی) به دنبال فشار بر احشاء داخلی، متعاقب اصابت جسم سخت تعیین می‌گردد. مادر طفل علیه شوهر خود تحت عنوان تصادف منجر به فوت شکایت نموده و اظهار داشته است: «بنده از مشتکی‌عنه به دلیل سهل‌انگاری در پارک نمودن موتورسیکلت و افتادن موتورسیکلت روی طفل ۲ سال و اندی منجر به فوت ایشان شده، شکایت دارم. بنده مادر طفل می‌باشم و با همسر (مشتکی‌عنه) اختلاف خانوادگی داریم و جدا از هم زندگی می‌کردیم. لذا تقاضای رسیدگی دارم». بازپرسی با اخذ نظریه پزشکی قانونی، قرار منع تعقیب صادر کرده است که مورد اعتراض واقع نشد. محتمل است پرونده، قبل از تکمیل تحقیقات مختومه اعلام شده است و چنانچه پرونده به کارشناسی ارسال و پدر به هر میزان مقصر شناخته می‌شد، سؤال می‌شد که این قرار صحیح است؟ ماده ۴۹۲ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه بنحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». در صورتی که تحقیقات به این نتیجه می‌رسید که مرگ مستند به رفتار ناشی از



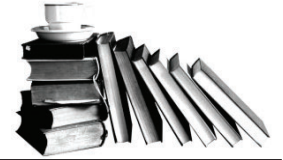
سهل‌انگاری کسانی است که مسئولیت مواظبت از کودک را بر عهده دارند، موجب دیه می‌شد.

فقها در شرایط قصاص، این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و درباره پدری که علیه فرزند خود مرتکب جنایت عمدی شده است، مستنداً به روایات متعددی که در این باب آمده است (حرعاملی، ۱۳۶۰، صص ۵۶-۵۸) مجازات قصاص را منتفی دانسته و تصریح کرده‌اند: مرتکب علاوه بر پرداخت دیه تعزیر می‌گردد (سماواتی و دی‌گران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). ماده ۵۰۶ قانون ق.م.ا مقرر می‌دارد: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». این مثال برای فعل است ولی پارک موتورسیکلت در جای نامناسب و عدم نگهداری صحیح از طفل ترک فعل است. ماده ۵۰۸ همان قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد». این ماده یک قسم از موضوع را تکمیل کرده است و آن ناآگاهی کودک غیر ممیز است که مفروض است و قبول توان تشخیص خطر برای وی از باب غلبه غیرممکن است.

قانون‌گذار در تأثیر عوامل حادثه، بین مباشرت و تسبیب تفاوتی قائل نشده است و در صورت وجود هر یک از عوامل، به میزان تأثیر رفتار منتسب، مسئول است. این حکم در ماده ۵۲۶ قانون فوق‌الذکر تصریح شده است. چنانچه توضیح داده شد، در این موارد چون موضوع شبه عمد است، در صورتی که صاحب حق مطالبه نماید، یکی از مجازات‌ها دیه است. ماده ۵۴۹ مقرر می‌دارد: «وارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است» ولی باید دید تعزیری نیز برای آن مقرر شده است.

۳- ضرورت تأمین منافع کودکان

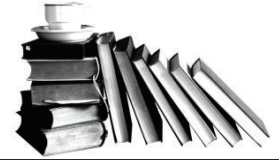
در بند ۱ از ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک بر تأمین منافع کودکان در کلیه اقدامات مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی و ارگان‌های حقوقی تأکید شده و با توجه به عمومیت عبارت «کلیه اقدامات»، این اقدامات شامل تصمیم‌گیری در زمینه مراقبت، حضانت و منع جدایی کودک از والدین هم می‌باشد. قانون‌گذار ما در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ تحت عنوان قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران، کنوانسیون حقوق کودک آن را تصویب کرده است. برابر ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده، «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است». اطلاع دادرسی و عدم وجود ضمانت اجرای



کیفری مناسب نسبت به چنین تصمیماتی، جان کودکان را در معرض خطر قرار می‌دهد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، حکم موضوع در قالب شبه عمدی قرار می‌گیرد. ماده ۱۴ ق.م.ا، مجازات‌های اصلی را چنین مقرر کرده است: «مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد ب- قصاص پ- دیه ت- تعزیر.

لذا مطابق قانون در صورتی که قصور متوجه یکی از والدین گردد و طرف دیگر مطالبه دیه و تقاضای رسیدگی نماید، با در نظر گرفتن قانون ارث، دیه به میزان تقصیر و در نظر گرفتن سهم وی، تعلق خواهد گرفت، منتها چون جرم عمدی نیست، باید دید تعزیری نیز در این خصوص پیش‌بینی شده است؟ ماده ۴۴۷ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که در این کتاب به کتاب پنجم تعزیرات ارجاع داده شده است، در خصوص قتل عمدی مطابق ماده (۶۱۲) آن قانون... عمل می‌شود». در خصوص قتل غیر عمد ماده ۶۱۶ چنین تعیین تکلیف نموده است: «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد».

با مراجعه به قانون ارث در قانون مدنی موضوع مواد ۸۶۱ و ۸۶۲، در این مورد موجب ارث، نسب می‌باشد و شامل طبقه اول خواهد بود. چرا که به موجب ماده بعدی، وارثین طبقه بعد، وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد. با تعیین اولیای دم، سؤال این است که مجازات ماده فوق شامل ایشان نیز می‌شود یا خیر؟ چرا که با وجود اولیای دم، خودشان در دیه غایت محسوب می‌شوند، هر چند قسمت اول ماده عام است. در پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۷۰۱۰۶۰۰۹۵۷ زوجین با طرح شکایت علیه پدر زوج، به دادسرا مراجعه و اظهار می‌دارند با خانواده برای تفریح به زمین کشاورزی پدر زوج می‌روند و فرزند خردسال ایشان در چاه آب افتاد که متأسفانه منجر به فوت وی گردید. با ارجاع موضوع به کارشناس رسمی، کارشناس، والدین را به میزان پنجاه درصد مقصر اعلام و مشتکی‌عنه را نیز به میزان پنجاه درصد مقصر تشخیص داد. با تحقیق از طرفین، اظهار داشتند که شاکی بدون اذن وارد حریم ملک مشتکی‌عنه شده‌اند. لذا دادسرا استدلال نموده است: «مشخص گردید که شاکی بدون اذن از صاحب ملک وارد حریم آن گردیده، با توجه به مسولیت کیفری به لحاظ اینکه نامبرده از سوی هیچ کدام از مشتکی‌عنه‌ها به محل دعوت نشده‌اند، لذا هرگونه مسولیت احتمالی با وی بوده و مشتکی‌عنه نیز ملک را اجاره داده و اصولاً بعد از اجاره نیز مسولیتی برای وی متصور نیست. لذا نظریه کارشناسی در خصوص قصور متشاکی مخدوش بوده و قابل پذیرش نیست. نظر به فقدان ادله کافی برای احراز و انتساب جرم و حاکمیت کلی براءت مستنداً به ماده قرار منع تعقیب



مشتکی عنه صادر و اعلام می‌گردد». لذا بلافاصله بعد از بری دانستن مشتکی عنهم، بدون اشاره به مسئولیت والدین، پرونده مختومه شده است. این موضوع در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۰۱۰۶۰۰۹۶۱ به شکل دیگری مشخص است. در این پرونده فرزند کودک پسر در مهد کودک با افتادن در استخر آب غرق شده و قبل از نجات، فوت می‌نماید. با تشکیل پرونده قضایی و طی تشریفات از قبیل اخذ گواهی فوت و ارجاع امر به کارشناس حوادث، تقصیر متوجه مسئول مهد کودک به میزان چهل درصد و نیز کارمند مسئول نگهداری در مهد کودک به همین میزان و به میزان بیست درصد نیز متوجه شهرداری شده است. صرف نظر از نحوه انتساب و تعیین میزان تقصیر متهمین، دادسرا به شرح ذیل قرار جلب به دادرسی صادر کرده است: «در خصوص اتهام ... موضوع شکایت حسب اوراق و محتویات پرونده از جمله شکایت شکات، گزارش مرجع انتظامی، گواهی فوت متوفی، نظریه هیأت پنج نفره کارشناسی و سایر قراین و امارات قانونی، انتساب بزه به متهمان محرز و مسلم تشخیص داده می‌شود و مستند به مواد ۲۹۱، ۱۴۵، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰ از قانون م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۱۶ ق.م.ا. - بخش تعزیرات - مصوب ۱۳۷۵ و مواد ۲۶۴ و ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار جلب به دادرسی صادر و اعلام می‌دارد قرار صادره قطعی است...». هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، در غیر از پدر و مادر دادسرا معتقد به صدور قرار جلب به دادرسی است. اگر معتقد باشیم که اولیای دم خودشان از ماده ۶۱۶ ق.م.ا. مستثنی هستند، باید ببینیم قانون‌گذار حمایت دیگری از کودکان نموده است؟ چرا که غالباً در حمایت از قشر ضعیف اقدام کرده است. مثلاً در خصوص رابطه کارگر با کارفرما، قانون کار، مجازات خاصی در نظر گرفته است. مواد ۱۷۱ الی ۱۸۶ قانون کار به این مجازات‌ها اختصاص دارد. ماده ۱۸۵ قانون کار مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم مذکور در مواد ۱۷۱ تا ۱۸۴ در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دادگستری است، رسیدگی مذکور در دادسرا و دادگاه خارج از نوبت به عمل خواهد آمد». هکذا قانون‌گذار در حمایت از زنان در قانون خانواده مصوب ۱۳۹۲ مواد متعددی تصویب کرده است. در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از کودکان تصویب شد. ماده ۴ آن قانون مقرر می‌دارد: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». ماده ۵ اضافه می‌کند: «کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد». این قانون نیز به موارد عمدی اشاره دارد و به موارد غیر عمدی اشاره نکرده است. به علاوه «اگرچه تأسی از جنبش جهانی در حمایت از اطفال در مقابل خشونت و تندروی والدین و سرپرستان و یا غفلت و یا مسامحه آنان از یک طرف و وقوع



حوادث عبرت‌انگیز و دهشتناک، باعث تصویب این قانون در بهمن ماه ۱۳۸۱ گردید و هرچند این قانون خلاء موجود تقنینی را در این زمینه مرتفع می‌سازد، ولی مستثنی نمودن والدین از تعقیب قانونی (ماده ۷ قانون)، عملاً هدف اصلی از طرح اولیه قانون مذکور را نادیده انگاشته و آن را از حیث انتفاع انداخته است (منبع پیشین، ص ۱۷۰).

نتیجه گیری

با بررسی قوانین و رویه قضایی در حال حاضر نسبت به قصور والدین در مرگ کودکان ناشی حوادث غیر طبیعی مجازاتی وجود ندارد. با بررسی پرونده‌های موجود، به نظر می‌رسد این قصور در چندین حالت متصور است که واکنش اجتماعی برای هر کدام می‌تواند متناسب باشد.

اول؛ اینکه تقصیر ناشی از عدم تمکین آگاهانه به قانون و تکالیف ناشی از آن بوجود آید. مثلاً در اختلاف والدین یکی از طرفین جهت ایداء طرف دیگر، رفتاری برخلاف مقررات مرتکب شود که نهایتاً در ارتباط با این رفتار، کودک فوت شود. مثلاً با اینکه حضانت فرزند تا ۷ سالگی برای مادر است، و هیچ مانع قانونی نیز برای اجرای آن وجود ندارد، پدر جهت ایداء مادر فرزند، برخلاف مقررات، طفل را در جای نامناسب نگهداری نماید که به نظر در این مورد، نیازمند وضع قانون یا تغییر رویه قضایی در تعمیم ماده ۶۱۶ ق.م.ا.هستیم. هرچند ماده ۴۰ ق.خ مقرر داشته است: «هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذینفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود»، ولی در عمل، این ماده مانع یا بازدارندگی کافی را ندارد. یکی از راهکارهایی که در این خصوص می‌توان ارائه داد، تعریف تکلیف جدید به سازمان بهزیستی در این خصوص تحت نظارت دایره سرپرستی جهت پیشگیری است و نیز جا دارد در اصلاحات بعدی، تقنینی به منظور اصلاح این معایب از رهگذر وضع معیاری مشخص جرم‌انگاری، گامی مهم و اساسی در راستای صیانت از سلامت جسمی فرزندان در چارچوب حریم خانواده بردارد.

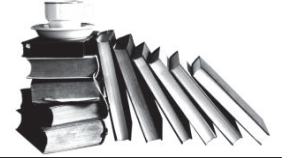
دوم؛ تقصیر ناشی از عقب ماندگی اجتماعی، ذهنی و امثال آن در والدین می‌باشد. در این مورد نهادهای عمومی مرتبط، موظف به تبلیغات و آموزش ویژه به آنها گردند. در همه مواردی که والدین کودک به دلایل مرگ یا اختلاف خانوادگی، به تنهایی سرپرستی کودک را برعهده داشتند، فقط در موردی که منجر به غرق شدگی شد، والدین کودک باهم زندگی می‌کردند، منتها هر دو بی سواد بودند.

سوم؛ اتفاق ناشی از وضعیت کاملاً اتفاقی و غیر از موارد فوق می‌باشد که شمار چنین مواردی بسیار کم و به لحاظ اجتماعی قابل اغماض است.



منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
- سماواتی پیروز، امیر؛ عباسی، محمود؛ آهنین جگر، حسین (۱۳۸۸)، مصونیت والدین در ایراد صدمات جسمی به فرزندان؛ چالشی پیرامون حق تأدیب در حقوق کیفری، مجله حقوق پزشکی، دوره ۳، شماره ۱۰ (پاییز ۱۳۸۸)، جلد ۳، صص ۱۷۹-۱۴۳.
- عابدی، محمد؛ قبولی درافشان، سید مهدی؛ سعیدی، امیر (۱۳۹۴)، موانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری خراسان، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۱۴، صص ۹۱-۱۰۵.
- سوری، حمید؛ حدادی، مشیانه؛ محرابی، یداله؛ علمداری، شهرام (۱۳۸۶)، نقش مراقبت والدین در حوادث ترافیکی کودکان ۶ تا ۹ ساله، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تابستان ۱۳۸۶، دوره ۲۵، شماره ۲؛ از صفحه ۱۷۰ تا صفحه ۱۷۷.
- قدسی، ابراهیم؛ نوری، فاطمه (۱۳۹۲)، مبانی مسئولیت کیفری والدین و اولیای قانونی صغار، ماهنامه کانون، سال پنجاه و پنجم شماره ۱۴۹ (پیاپی ۱۵۰، بهمن و اسفند ۱۳۹۲)، صص ۱۰۹-۱۲۲.
- منصور، جهانگیر (۱۴۰۱)، قانون مدنی جلدهای اول، دوم و سوم (به روز رسانی: حسین زارعی، واحد پژوهش، تنقیح و تدوین قوانین دیداور، همراه با قانون مسئولیت مدنی، ۳ جلد در ۱ جلد)، چ ۱۳۳، تهران: نشر دیدار.
- منصور، جهانگیر (۱۴۰۱)، قانون آیین دادرسی کیفری، (به روز رسانی: حسین زارعی، واحد پژوهش، تنقیح و تدوین قوانین دیداور)، تهران: نشر هزار رنگ.
- منصور، جهانگیر (۱۴۰۱)، قانون مجازات اسلامی، (به روز رسانی: حسین زارعی، واحد پژوهش، تنقیح و تدوین قوانین دیداور)، چ ۱۶۸، تهران: نشر دیدار.
- واحدی پور، مرتضی (۱۳۹۸)، قرارهای نهایی دادسرا.
- مرتضی نیا، جعفر (۱۳۹۹)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، چ ۱، تهران: چتر دانش.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۱)، لمعه دمشقیه، مترجم: حمید مسجد سرائی، ج ۲-۱، چ ۱۲، تهران: خط سوم.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی: مجازات، مبانی و اقسام آن، مترجم: حسن فرهودی نیا، تهران: یادآوران.



The reaction of the penal system against the negligence of parents leading to the death of children

Abstract

One of the important issues of the legal community is the protection of children against physical injuries. Many laws have been approved in this regard in international organizations and the Islamic Council because they are people who are unable to recognize and defend themselves against the dangers caused by surrounding objects and need protection. In this article, we will try to address the negligence of the parents towards their children, which leads to their death while they are responsible for their care, and examine the legal responsibility of public institutions in preventing and punishing the perpetrators. The question that arises is the fault of the parents in this regard, is it a crime? If it is a crime, what punishment has the legislator considered for it, and can the public prosecutor follow up on the matter or does it require a private plaintiff's complaint? In other words, is the crime public or not? In these cases, innocent children die due to unnatural events, and the case is usually referred to as suspicious death by reporting the case to the prosecutor's office to issue a burial permit by referring him to the forensic pathologist. Therefore, the point of discussion is where the fault lies with the child's parents. Customary necessities, fairness and moral values, due to the special conditions of children and parents, reduce the criminal responsibility of parents towards their children and cause the society to deal with the issue with tolerance. On the other hand, the existence of some unfortunate social realities such as children with bad guardians, it is necessary for parents' responsibility to have a practical aspect .

Key words: public prosecutor, parents, unnatural events, suspicious death, unidentified prisoners.



بررسی حقوق شهروندی در اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)

^۱ نسرین بهرامیان

^۲ محمود قیومزاده

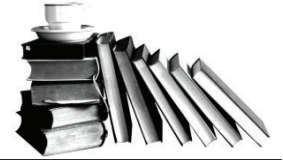
چکیده:

ظهور مفهوم شهروندی را می‌توان مصادف با پیدایش نخستین حکومت‌ها دانست. حکومت‌ها اعتبار و قدرت خود را از شهروندان می‌گیرند و در مقابل نسبت به شهروندان دارای وظایف و مسئولیت‌هایی هستند. شهروند نیز تکالیف متقابل در ارتباط با دولت دارد. امام خمینی، بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران، در رابطه با حقوق شهروندان دارای دیدگاه‌های بنیادین است. رویکرد نظری ایشان بر مبنای حقوق امت استوار شده است. نگارندگان بر پایه این بینش سه حق محوری مطرح در حوزه حقوق شهروندی (آزادی، عدالت و امنیت) و حقوق مشتق از آنها را با تکیه بر اندیشه‌های امام مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، حق آزادی، حق امنیت، حق عدالت، اسلام.

^۱ n.bahramiyan^{۶۹}@yahoo.com دانشجوی کارشناسی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، ایران، نویسنده مسئول:

^۲ maarefteacher@yahoo.com استاد تمام و هیأت عملی دانشگاه آزاد اسلامی ساوه:



مقدمه

مسأله حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. نظریات و گفتمان‌های روزافزون از سوی فیلسوفان سیاسی، حقوقدانان و جامعه‌شناسان بیانگر این مطلب است. شناخت مسأله حقوق شهروندی از آن جهت ضروری است که این حقوق در ابتدا از سوی کسانی ادعا شد که خود به راحتی بسیاری از حقوق شهروندی ملت‌های خود را در دو جنگ جهانی زیر پا گذاشتند حال آنکه خاستگاه این حقوق، در اسلام و اندیشه بزرگان آن به ویژه حضرت امام نهفته است و متأسفانه در سده‌های اخیر مسلمانان از این مهم غافل شده و غرب و مکاتب بشری، خود را به عنوان داعیه‌دار حقوق شهروندی و حقوق بشر به جهانیان عرضه داشته‌اند.

امام خمینی که به عنوان رهبر سیاسی - مذهبی مدت هشت سال زعامت کشور اسلامی ایران را به عهده داشتند نظرات جامعی پیرامون حقوق مشتق از وضعیت شهروندی دارند. ایشان حاکم اسلامی را خادم ملت و وی را مکلف به برپایی عدالت در جامعه می‌دانند.

بیانات ایشان در رابطه با حقوق امت هم‌راستا با مسائل مطرح در حوزه حقوق شهروندی و حقوق بشر است. با توجه به تجربه حکومت‌داری ایشان به قطع می‌توان گفت بهترین مصداق در مورد حقوق شهروندی در اسلام سبک و سیاقی است که ایشان در اندیشه و رفتار خود نشان دادند.

لازم است بدانیم، واژه ملت در صحیفه امام خمینی پس از واژه اسلام دومین واژه پرکاربرد است [۳] که این خود بیانگر اهمیتی است که امام به حقوق مردم می‌دادند و همانگونه که می‌دانیم در درون مایه شهروندی مفهوم ملیت نهفته است.

مفاهیم لغوی و اصطلاحی شهر

شهر از جمله مقولات اجتماعی است که ارائه تعریفی دقیق از آن به راحتی امکانپذیر نیست؛ زیرا عناصر وجودی آن هر یک دارای ماهیتی متفاوت از دیگری است به عنوان مثال ساکنان، ساختمان‌ها، مسائل حمل و نقل، تأسیسات و ... همه وجودهای عینی هستند با ماهیت‌های گوناگون.

این واژه، در زبان ایرانی پیشینه‌ای بس کهن دارد و حتی در ایران باستان از این واژه در معنای کشور نیز استفاده شده است. در فرهنگ لغت شهر به معنای «مدینه، بلد، اجتماع خانه‌های بسیار و عمارات بی‌شمار با وسعت بیش از قصبه، قریه، ده، آبادی بزرگ که دارای خیابان‌ها، میدان‌ها، کوچه‌ها، خانه‌ها، بازارها و دکان‌ها و سکنه باشد» آمده است (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۰: ۱۴۶۰۰).

عده‌ای هر تجمعی را که جایگاه فعالیت‌های ویژه‌ای باشد، شهر می‌دانند از نظر برخی شهر منظره ای مصنوعی است که از خیابان‌ها، ساختمان‌ها، جداول آب و سایر دستگاه‌ها و بناها درست شده و زندگی شهری را امکانپذیر می‌کند (ادیبی ۱۳۵۵: ۲۲) و عده‌ای دیگر شهر را محل سکونت وسیع، دائمی و متراکم افرادی می‌دانند که از نظر اجتماعی ناهمگونند (لوییز ۱۳۵۸: ۴۵).